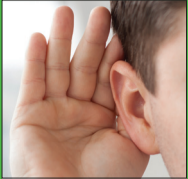




۳۶ میلیون نفریم!
(۱۲)



افزایش سن، کاهش شنوایی
(۱۳)



چشمتان منقصر نشود!
(۱۴)



دریابدمی که با طرب میگذرد
(۱۵)

بلندقدت جوان



دکتر سیدحسین موسوی چلک رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران

ازدواج با قربانیان اسیدپاشی ترحم نمی‌خواهد؛ بلوغ فکری می‌خواهد...

برخی افراد در زندگی‌شان خواسته یا ناخواسته دچار مشکلاتی می‌شوند، ولی نباید از بهره بردن از زندگی محروم شوند. کسانی که قربانی اسیدپاشی می‌شوند، در اجتماع حضور دارند و اگر فرصتی برای بازتوانی روانی و اجتماعی این افراد وجود نداشته باشد، موضوعات دیگری مثل افسردگی و گوشه‌نشینی جایگزین نشاط و شادابی آنها می‌شود. پذیرش محوری کلیدی است و توجه به این افراد در زندگی مردم باید نهادینه شود. در مواردی زن معلول است و مردی که معلولیت ندارد با او ازدواج می‌کند یا برعکس، مرد معلولیت دارد و زنی با او ازدواج می‌کند. اینکه پذیریم افراد متفاوتی در جامعه وجود دارند که آنها هم مثل همه حق زندگی، ازدواج و... دارند، باید به فرهنگ تبدیل شود. مرضیه ابراهیمی، یکی از قربانیان اسیدپاشی ازدواج کرده، این موضوع نباید ابثار یک مرد تلقی شود. اینکه یک مرد با یک زن آسیب‌دیده اسیدپاشی ازدواج می‌کند، ترحم نیست. این نگاه باید جایگزینی داشته باشد؛ اینکه این افراد هم حق زندگی دارند و این طور نیست که به خاطر اینکه کسی حس ترحم به آنها دارد، برای ازدواج انتخابشان می‌کند. اگر اطلاع‌رسانی درستی انجام شود و فرهنگ‌سازی کنیم، می‌توانیم در جامعه به افراد متفاوتی مانند قربانیان اسیدپاشی هم حق زندگی کردن بدهیم. درست است این افراد ظاهرشان را از دست داده‌اند و در ارتباط افراد، صورت‌زیبا هم مهم است؛ اما مهم‌تر از آن داشتن سیرت زیباست. کسانی که با قربانیان اسیدپاشی ازدواج می‌کنند به حدی از بلوغ رسیده‌اند که مبنای انتخابشان همان سیرت زیباست. در واقع، در این ازدواج‌ها حس راحت بودن کنار هم مبنای زندگی مشترک است. این نگاه باید به فرهنگ تبدیل شود تا قربانیان بیشتری بتوانند بازگشت به زندگی داشته باشند.

پذیرش مشکل در حل مشکلات قربانیان اسیدپاشی، مهم‌ترین بخش است. هر وقت این پذیرش انجام شود، مشکل حل خواهد شد چرا که طی کردن بقیه راه سخت نیست. البته در حل مشکلات این قربانیان دادن خدمات مشاوره‌ای و افزایش مهارت‌های افراد می‌تواند بیشترین کمک را به آنها بدهد. باید پذیریم هیچ‌کس کامل نیست. فقط معصومین (ع) کامل بوده‌اند. همه ما نقاط قوت و ضعفی داریم. اگر نیمه خالی لیوان را نبینیم، می‌توانیم پویایی، شادابی و تحرک داشته باشیم. متأسفانه خیلی‌ها فقط نیمه خالی لیوان را می‌بینند، نه نیمه پر. افرادی که به نیمه پر لیوان زندگی‌شان توجه دارند، شیوه زندگی‌شان را بر مبنای داشته‌هایشان انتخاب می‌کنند و این موضوع است که زندگی را زیبا می‌کند.

کسی را در نظر بگیرید که در قسمتی از بدنش دچار معلولیت می‌شود. این فرد می‌تواند افسرده و گوشه‌نشین شود یا اینکه در یک رشته ورزشی قهرمان جهان شود. این دو انتخاب متفاوت است. کسی که یک پایش را از دست می‌دهد، در مقایسه با کسی که زیبایی‌اش را از دست می‌دهد راحت‌تر می‌تواند به زندگی‌اش ادامه بدهد، اما با حمایت‌های اجتماعی می‌توان مسیری ایجاد کرد که این افراد و خانواده‌هایشان راحت‌تر شرایط جدید را بپذیرند و این پذیرش حتما باید در جامعه و محیط کار این افراد هم ایجاد شود. مددکاران اجتماعی به علت توانمندی‌ها و دانشی که دارند، می‌توانند نقش محوری در این اتفاق داشته باشند. ما به‌عنوان انجمن مددکاری می‌توانیم در هر برنامه حمایتی از قربانیان اسیدپاشی مشارکت و در تدریس برنامه‌ها و دادن راهکار کمک کنیم.



یادی از قربانیان اسیدپاشی
به بهانه ازدواج **مرضیه ابراهیمی**

به زندگی برمی‌گردیم

هزینه‌ای را متقبل نشوند. برای انجام این کارها به محلی نیاز است تا در روزهای هفته این افراد مراجعه کنند و به کارهای آنها رسیدگی شود. علاوه بر جراحان، روان‌شناسان و وکلا هم در انجمن حضور دارند تا هم کارهای حقوقی این افراد انجام شود و هم اینکه از نظر روانی حضور در جامعه آماده شوند.

حضور دوباره قربانیان در جامعه یکی از اهداف اصلی انجمن است. کنار اینکه این افراد باید از نظر روانی آماده شوند، به ظاهر خوب هم نیاز دارند. فروتن می‌گوید: «درست است که می‌گویم اصل سیرت است، نه صورت، ولی داشتن صورت هم مهم است. این قربانیان به علت سوختگی‌های شدید که داشته‌اند، ظاهر نامناسبی دارند و به همین دلیل گوشه‌نشین شده‌اند. بیشتر آنها هم مشکل بینایی یا دست دارند. این سوختگی‌های شدید به عمل‌های جراحی زیادی هم نیاز دارد. با این حال این افراد هیچ‌وقت به ظاهر اولیه‌شان بر نمی‌گردند، ولی تلاش ما این است که آنها ظاهری پیدا کنند که در اجتماع قابل قبول باشد.» داشتن ظاهر زیباتر می‌تواند این افراد را راحت‌تر به جامعه برگرداند: «انجمن در تلاش است که برای آنها شرایط کار هم ایجاد کند. با شرکت‌ها صحبت کرده‌ایم که شرایط کار برایشان فراهم کنند. آنها باید دوباره احساس مفید بودن کنند.»

آمار دقیقی از تعداد قربانیان اسیدپاشی وجود ندارد. انجمن به دنبال این است که با همه این قربانیان در ارتباط باشد. طبق اعلام سوانح سوختگی تهران، حدود ۴۰۰ تا ۴۵۰ نفر به علت سوختگی با اسید به بیمارستان‌های تهران مراجعه کرده‌اند، اما عده‌ای هم هستند که با اسید سوخته، اما به بیمارستان نرفته‌اند: «بعضی از سوختگی‌ها یا خفیف بوده یا افراد به علت مشکلات خانوادگی ترجیح داده‌اند کسی متوجه این اتفاق نشود.» بعد از اینکه محل انجمن مشخص شد، در فراخوانی از همه قربانیان دعوت می‌شود تحت پوشش انجمن قرار بگیرند. حل مشکلات این افراد و حتی مشکلات خانوادگی‌شان برنامه اصلی انجمن است، همه قربانیان تهرانی نیستند. شهرهای دیگر هم آسیب‌دیده دارند. آمار کشوری هم دقیق نیست، ولی به گفته فروتن این تعداد به ۸۰۰ تا ۸۵۰ نفر می‌رسد.

به این علت است که می‌گویم قصاص بهتر است، برای اینکه نقش بازدارندگی داشته باشد.» هنرمندان، جراحان، وکلای خودقربانیان تلاش می‌کنند این افراد به زندگی دوباره برگردند. اینکه مسوولان هم این تلاش را دارند و به آنها کمک می‌کنند یا نه بحث دیگری است. به نظر می‌رسد آنها کمتر به این قشر توجه دارند که اگر توجهی داشتند در این سال‌ها نهادی برای کمک به بهتر شدن وضعیت آنها پا پیش می‌گذاشت یا حداقل حالا که انجمنی برای حمایت از این قربانیان تشکیل شده، تنها نمی‌ماند و مسوولانی که حمایت از این قربانیان وظیفه اصلی آنهاست، برای حل مشکلات انجمن قدمی برمی‌داشتند.

کمال فروتن، رئیس انجمن حمایت از قربانیان اسیدپاشی: آنها را به جامعه بازگردانیم
تا زمانی که انجمن حمایت از قربانیان اسیدپاشی تشکیل نشده بود، هیچ نهادی برای حمایت از این افراد وجود نداشت. هم‌زمان با اکران فیلم لانتوری، ساخته رضا درمیشیان و بعد از اسیدپاشی‌های زنجیره‌ای در اصفهان، بحث راه‌اندازی انجمن مطرح شد، ولی ثبت آن طول کشید. غیر از درمیشیان، کمال سیدفروتن، فوق‌تخصص جراحی پلاستیک و زیبایی، نوید محمدزاده، هنرپیشه‌ای که در فیلم لانتوری نقش ضارب را بازی کرده، همراه دو نفر از قربانیان محسن مرتضوی و معصومه اعتباری عضو هیات‌مدیره هستند. نیاز به نهادی که از آسیب‌دیدگان اسیدپاشی حمایت کند، سال‌های قبل احساس می‌شد، همان سال‌ها که آمنة بهرامی سوخت یا زنان و دختران و حتی مردان دیگری که قربانی شدند و هیچ‌وقت حتی نامشان برده نشد و کسی با آنها همدردی نکرد. انجمن تشکیل شده تا مشکل این قربانیان را بشنود و حل کند. وکلا، پزشکان، جراحان و روان‌شناسان دور هم جمع شده‌اند تا با کمک هنرمندان دردی از این افراد دوا کنند، اما انجمن ابتدای راه است و هنوز مشکلاتی دارد. دکتر فروتن، رئیس انجمن درباره این مشکلات به «سلامت» می‌گوید: «مشکل اساسی‌ای که ما داریم، نداشتن دفتر است. با ۴-۳ ارگان صحبت کرده‌ایم تا جایی را برای فعالیت‌های انجمن اختصاص بدهند. ما کارمان را شروع کرده‌ایم ولی اجرای فعالیت‌های اصلی منوط به داشتن محل مناسبی است.» یکی از فعالیت‌های اصلی انجمن، انجام جراحی روی این قربانیان است: «بیشتر این قربانیان نیاز به عمل‌های جراحی دارند. بیشتر آنها دچار ضایعات چشمی هستند و به جراحی‌های پلاستیک و زیبایی نیاز دارند. چند نفر از جراحان و خود من می‌خواهیم با جراحی‌های رایگان که این قربانیان کمک کنیم. قرار است انجمن هم هزینه‌های هتلینگ بیمارستان‌ها را تامین کند تا آنها

دوره‌های روان‌شناسی داریم. چند دکتر روان‌شناس هم با ما همکاری و با بچه‌ها صحبت می‌کنند. حتی خود من هم با بچه‌ها صحبت می‌کنم. تلاش ما این است که اعضای انجمن بتوانند مشکلاتشان را مطرح کنند و ما هم این مشکلات را حل کنیم. یکی از موضوعاتی که باید در نظر داشته باشیم، این است که خانواده‌های این افراد هم بتوانند درک بهتری از شرایط آنها داشته باشند. به‌علت آسیب‌هایی که به این افراد وارد شده، بیشتر آنها نایبنا هستند. یکی از کارهایی که کرده‌ایم این بوده که آنها را به عصای سفید معرفی کنیم و اینکه خط بریل را حتما یاد بگیرند.»

در چند سال اخیر فیلم‌ها و نمایش‌هایی هم در حمایت از قربانیان اسیدپاشی ساخته شده و به نمایش درآمده که معروف‌ترین آنها فیلم «لانتوری» و نمایش «شب دشنه‌های بلند» است. به نظر می‌رسد هدف اصلی دیده شدن این افراد و آگاه کردن جامعه از عواقب اسیدپاشی است، ولی اینکه چقدر موفق بوده‌اند، مشخص نیست. با این حال مرتضوی توجه سینما و تئاتر به این قشر را بی‌تاثیر نمی‌داند: «قطعاً سینما، تئاتر و نمایشگاه‌هایی که در این رابطه برگزار شده، کمک‌کننده هستند. ما نمی‌خواهیم داستان را ترحم‌آمیز کنیم و خاطر مردم را برنجانیم. هدف این است که مردم بدانند اگر چنین اتفاقی برایشان افتاد، چطور مبارزه کنند و مهم‌تر اینکه همه بدانند چطور از این اتفاق جلوگیری کنند، بدانند که این کار چقدر درد و چه آثاری دارد، آگاه بشوند که هم برای ضارب و هم مضروب چه عواقبی دارد. این کارهای هنری دلیلی می‌شود تا اتفاقاتی که برای ما افتاده، یادآوری شود، تا دیگران فراموش نکنند که ما مجرم نبودیم.»

لانتوری ساخته رضا درمیشیان است و درمیشیان از اعضای هیات‌مدیره انجمن. با اینکه درمیشیان به‌عنوان یکی از حامیان قربانیان اسیدپاشی مطرح است، اما مرتضوی می‌گوید انتقادی به فیلم او ندارد؛ اینکه چرا در پایان فیلم ضارب بخشیده می‌شود؟ او می‌گوید این پایان را نپسندیده و بیشتر موافق قصاص است و برای این نظرش هم دلیل دارد: «این نظر شخصی من است و نمی‌توانم قضاوت کنم. من نمی‌دانم این داستان واقعی یا داستان و نظر نویسنده است، ولی به هر حال در فیلم «این زن حقش را می‌خواهد» قصاص انجام می‌شود. اینکه قصاص انجام شود یا بخشش، بحث جداگانه‌ای است. نظر شخصی من روی قصاص است. این کار کوچک نیست، فکری پشتش است. در یک حادثه، یکباره اتفاق تلخی می‌افتد، در یک دعوا، در یک لحظه ناخواسته یکی مرحوم می‌شود، اما در این قضیه همه چیز تفاوت می‌کند. طرف اسید را می‌خورد، نگهداری می‌کند، برنامه می‌چیند، اینکه چطور و کجا بریزد و...

■ **لیلی خرسند**

«ازدواج مرضیه ابراهیمی!» این خبر یکی از بهترین خبرهای روزهای آخر شهریورماه بود. شاید تا قبل از آن کمتر کسی نامی از مرضیه ابراهیمی شنیده بود، ولی حالا مرضیه و مهرداد برایشان نماد عشق شده، لیلی و مجنون زمانه. بعضی مهرداد را اسطوره عشق می‌نامند، مردی که در بدترین شرایط هم معشوقه‌اش را تنها نگذاشت، اما شاید تریک اصلی را باید نتار مرضیه کرد، زنی که بازگشت دوباره به زندگی داشته. مرضیه چهارمین قربانی اسیدپاشی اصفهان است، دختر ۲۵ ساله‌ای که شاید هیچ وقت نتواند روز بیست‌وسوم مهرماه سال ۱۳۹۳، خیابان توحید و... را فراموش کند، همان‌طور که شاید هنوز هم جرات پایین دادن شیشه ماشین و تحمل شنیدن صدای موتور را نداشته باشد. مرضیه دختر مامایی بود که حالا بعد از ۳ سال باید به مقام‌هایی که برنامه‌ریزی کرده بود، می‌رسید، اما این ۳ سال را مثل دیگر قربانیان اسیدپاشی صرف معالجه کرده. او یکی از قربانیان اسیدپاشی‌های خیابان‌های اصفهان است، قربانی‌ای که دلیل قربانی شدنش را نمی‌داند. زمانی که این اتفاق افتاد، او و مهرداد عقد کرده بودند. شاید تصور و انتظارش این بوده که زندگی مشترکشان بعد از این حادثه به پایان می‌رسد، ولی مهرداد کنارش ماند و روزهای آخر شهریور هم جشن عروسی‌شان برگزار شد. تصور عمومی، دور از واقعیت‌های زندگی این قربانیان است. ازدواج مرضیه و مهرداد برای خیلی‌ها عجیب است و این موردی بود که هفته گذشته در فضای مجازی دیده شد. خیلی‌ها مهرداد را تحسین کردند که فداکاری کرده، اما واقعیت چیز دیگری است. مرضیه ابراهیمی تمایلی ندارد از این ازدواج و بازگشت دوباره‌اش به زندگی صحبت کند، ولی به جای او محسن مرتضوی صحبت می‌کند. مرتضوی خودش از قربانیان اسیدپاشی است و عضو هیات‌مدیره انجمن حمایت از قربانیان اسیدپاشی. برای او عجیب است که چرا بعضی انتظار ازدواج مرضیه و مهرداد را نداشتند: «در این چند سالی که این اتفاق برای مرضیه خانم افتاد، آقا مهرداد همراه و رفیقش بود. ازدواج آنها امید دوباره‌ای به من داد، ولی این تصور که بعد از این اتفاق خانواده ما را ترک کنند، غلط است. من همسر و فرزند دارم، بقیه هم مثل ما هستند. ما گناهی نکرده بودیم و ناخواسته این اتفاق برایمان افتاده. اصلاً نباید برای کسی جای سوالی باشد که خانواده ما کنار ما هستند یا نه؟ همسر و فرزندان ما را کنار گذاشته‌اند یا نه؟ مگر خانواده‌ای که فرزند معلول به دنیا می‌آورد، آن را دور می‌اندازد و می‌گوید این بچه به درد نمی‌خورد؟ در زندگی سیرت مهم است. مرضیه و مهرداد از قبل آشنا بودند. آنها به خاطر خودشان ازدواج کردند. در واقع، زندگی‌شان عاشقانه بود و حالا هم به مرحله ازدواج رسیده.»

بعد از ازدواج مرضیه و مهرداد، این فرصت پیش آمد که از قربانیان اسیدپاشی یادی شود؛ اینکه آنها بعد از این اتفاق و با ظاهر متفاوتی که پیدا می‌کنند، چطور زندگی دوباره‌شان را از سر می‌گیرند. محسن مرتضوی خودش یکی از قربانیانی است که بیشترین صدمه را دیده. داستان قربانی شدن او را شاید خیلی‌ها شنیده باشند. روزهای بعد از تعطیلات نوروز سال ۱۳۹۱ یکی از کارکنان شرکت که مشکل شنوایی داشته، به تصور اینکه در ایام عید، مرتضوی مزاحم تلفنی‌اش بوده، قابلمه اسید را روی سر او خالی و چند ضربه چاقو را هم چاشنی این کارش می‌کند. مرتضوی چند ماه در کما بوده، اما با چند جراحی و خانواده‌ای که کنارش بوده، او دوباره به زندگی برگشته، بازگشتی که اصلاً راحت نبود: «قربانیان فقط زنان نیستند، مردان هم در جمع ما هستند. نمونه‌اش خود من که سال ۱۳۹۱ با اسید سوختم. من در این مدت ۹۴ بار جراحی شدم. ۷۰ درصد سوختگی دارم. هم بدنم سوخته و هم صورتم. من سال ۹۲ با موسسه‌ای آشنا شدم که خانم خالقی آنجا بودند. خانم خالقی هنر معرق را به من یاد داد و بعد از آن با آقای مردانی، یکی از دوستانم این کار را ادامه دادیم و الان آموزشگاه داریم.»

مرتضوی حالا در جامعه است، مثل بقیه مردم، ولی حالا کار مهم‌تری دارد. او می‌خواهد دیگر قربانیان هم بتوانند زندگی کنند و مثل بقیه در اجتماع باشند: «کنار آمدن با این اتفاق سخت است، ولی کم‌کم باید با همه چیز کنار بیاییم. مشکل اصلی قربانیان اسیدپاشی این است که ارتباطشان با اجتماع کم می‌شود و باید بتوانیم آنها را از خانه‌هایشان بیرون بیاوریم. این افراد خانه‌نشین و منزوی هستند و باید کاری کنیم آنها با اجتماع آشنی کنند. مردم باید آنها را ببینند.» او برای کمک به قربانیانی مثل خودش در انجمن حمایت از قربانیان اسیدپاشی است و امیدوار است این انجمن بتواند با فعالیت‌هایش مثرتر باشد: «۶-۷ جراح عضو انجمن هستند، ۱۲-۱۰ وکیل پایه یک که استاد دانشگاه هستند، با ما همکاری می‌کنند. منتظریم محل دفتر انجمن مشخص شود تا هم پرونده‌های حقوقی و قضایی‌شان بررسی شود و هم پرونده‌های پزشکی. در هیات‌مدیره هم چهره‌هایی مانند رضا درمیشیان و نوید محمدزاده حضور دارند. هنرپیشه‌های دیگری هم مثل میترا حجار، هدایت هاشمی و... با انجمن همکاری دارند.»